

همکاری‌های امنیتی ایران و روسیه؛ زمینه‌ها و چشم‌انداز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۵

سمیه پسندیده*

چکیده

ایران و روسیه در دوره پس از جنگ سرد، با درک وضعیت ژئوپلیتیک، نیازهای داخلی متقابل و نیازهای محیط پیرامونی خود بستر مناسبی را برای همکاری پیدا کرده‌اند، اما هنوز چنانکه باید، گسترش نیافته است. با توجه به وضعیت جغرافیایی و منافع ملی دو کشور، یکی از زمینه‌های مناسب برای توسعه همکاری‌ها میان ایران و روسیه، تعاملات در زمینه تأمین نیازهای امنیتی است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با هدف بررسی روابط امنیتی و همچنین نگاه دو دولت به یکدیگر، به این پرسش می‌پردازد که چرا ثبات و امنیت در منطقه باید در نتیجه همکاری ایران و روسیه تأمین گردد و تعامل سازنده ایران و روسیه است که ثبات و امنیت منطقه را در پی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: ایران، روسیه، روابط امنیتی، دریای خزر، قفقاز، خاورمیانه، هژمونی آمریکا

* دانشجوی دکتری متدولوژی علوم سیاسی در دانشگاه تربیت مدرس مسکو/ روسیه

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هفدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۳ • شماره مسلسل ۶۳

مقدمه

موقعیت ژئوپلیتیک ایران باعث شده این کشور، به صورت طبیعی به یکی از کانون‌های مؤثر امنیتی در منطقه و حتی فرامنطقه تبدیل گردد، به طوری که هر گونه شکل‌گیری ترتیبات امنیتی، به ویژه در منطقه بدون حضور و مشارکت فعال جمهوری اسلامی ایران از چشم‌انداز موفقیت برخوردار نخواهد بود. تغییرات ژئوپلیتیکی پس از جنگ سرد زمینه‌ها و انگیزه‌های سیاسی برای همکاری‌های گسترده‌تر میان ایران و روسیه را در عرصه‌های مختلف فراهم کرد. در عرصه کنونی سیاست بین‌الملل، روسیه و البته چین به همکاری استراتژیک با ایران نیاز دارند و این همکاری، بخشی از استراتژی دفاعی آنها در برابر تهدیدات آمریکا و اروپا به حساب می‌آید. از طرف دیگر، دژ اوراسیا بدون ایران ضعیف خواهد بود. پیاده‌سازی جریان مخالف در خاورمیانه که سناریویی از سوی آمریکا بود، موانع بسیاری را سر راه ایالات متحده قرار داد که یکی از آنها سوریه بود، چراکه تمام محاسبات آمریکا را در هم شکست. آمریکا در نظر داشت روسیه و ایران را در گردابی که نقطه آغاز آن خاورمیانه و نقطه پایان آن منطقه خزر و ولگا در روسیه است، به دام بیندازد. القاء ایدئولوژیک و نفوذ غیر قابل کنترل جریان‌های رادیکال اخیر در خاورمیانه از طریق قفقاز به روسیه برای این کشور نامطلوب و به همان اندازه نیز برای ایران نامطلوب است، چراکه منطقه ماوراء قفقاز دروازه‌ای گشوده برای ایران به شمار می‌آید (دالاکیان، ۲۰۱۲). پس باید توجه داشت که در برابر این تحولات، غرب همچنان به تمهیدات گوناگونی برای استفاده استراتژیک از آشوب‌های مناطق مجاور ایران و روسیه می‌اندیشیده است.

کشورها برای دستیابی به منافع و هدف‌هایشان در عرصه بین‌المللی تلاش می‌کنند، اما چون سایر کشورها نیز در تلاش برای کسب منافعشان هستند، این منافع در محیط بین‌الملل با هم برخورد می‌کند و در این حالت است که بستر مناسب برای همکاری دو کشور فراهم می‌گردد. بحثی که این نوشتار دنبال می‌نماید زمینه‌ساز شکل‌گیری سئوالاتی از این قبیل می‌گردد که آیا منفعی که به صورت مشترک میان دو کشور وجود دارد، از اهمیت امنیتی برخوردار است؟ تعاملات امنیتی ایران و روسیه از حیث شناسایی تعارض‌ها و توافق‌ها چگونه ارزیابی می‌گردد؟ و چگونه می‌توان گفتمان موجود در همکاری‌های ایران و روسیه را به سمت امنیت‌سازی هدایت کرد؟

ایران و روسیه می‌توانند با تعامل به تحکیم محیط پیرامونی خود بپردازند و از گسترش جدال‌های سیاسی، منازعات نظامی و تعارضات محیطی به داخل مرزهای خود جلوگیری و با ایجاد ثبات بین‌المللی، حتی محیط داخلی خود را بازسازی کنند. در حال حاضر، حوزه‌های مختلف ژئوپلیتیکی مشترک میان ایران و روسیه مثل دریای خزر، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی تحت نفوذ غرب قرار گرفته است. هدف اصلی غرب از ایجاد تنشج در منطقه، تحت کنترل درآوردن قدرت منطقه‌ای ایران و فدراسیون روسیه است، چراکه آمریکا همان‌گونه که «جیمز کلپر»^۱ رئیس سازمان اطلاعات ملی آمریکا نیز اعلام کرده، کشورهای ایران، روسیه و چین را نه تنها تهدیدی برای امنیت ملی ایالات متحده، بلکه برای تمام کشورهای جهان می‌داند (rosbalt.ru, 2013). به عنوان نمونه، ایالات متحده واقف است که انواع تحریم‌ها علیه ایران منجمله امتناع اتحادیه اروپا از خرید نفت ایران به منظور ساقط کردن حکومت ایران کارساز نخواهد بود، بنابراین لازم است تا قدرت آن کنترل شود. از طرف دیگر، حضور جاسوسان روس در ایالات متحده نیز به عنوان تهدیدی شناخته می‌شود که به ویژه فعالیت‌های اقتصادی آمریکا را زیر نظر دارند و اطلاعات آن را به کشور خود انتقال می‌دهند. بنابراین، بیداری ایران و روسیه برای حفظ قدرت خود در منطقه با تکیه بر مواضع و منافع مشترک، عاملی در جهت اتحاد استراتژیک آنها خواهد بود. به عبارتی، هر میزان کارگزاران حوزه دفاعی-امنیتی شناخت بهتری نسبت به چشم‌انداز گفتمان امنیتی حاکم بر روابط میان روسیه و ایران داشته باشند، بهتر می‌توانند قواعد بازی را به سمت امنیت‌سازی کانالیزه نمایند.

الف. امنیت و منافع مشترک ایران و روسیه

در تبیین مفهوم امنیت می‌توان به مبانی نظری مکتب کپنهاک و به ویژه آراء «بری بوزان» رجوع کرد. تعریف جدید مفهوم امنیت توسط «بری بوزان» به سال‌های ۱۹۸۰ بازمی‌گردد، هنگامی که برای اولین بار «نظریه مجموعه امنیتی کلاسیک»^۲ را در ویرایش اول کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس»^۳ در سال ۱۹۸۳ مطرح نمود. بوزان در این نظریه، دو گام مهم برداشت: نخست توجه به سطح تحلیل منطقه‌ای بر پایه ماهیت رابطه‌ای امنیت و درک آن به عنوان پدیده به هم وابسته،

-
1. James Klepper
 2. Classical Security Complex Theory
 3. People, State and Fear

دوم ترسیم طیف کاملی از لایه‌های تحلیل (Buzan, 1983: 105-115). بنیان نظریه امنیتی جدید بوزان بر این فرض استوار بود که پایان جنگ سرد سبب آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای شده که ریشه در محدودیت‌های دیدگاه‌های واقع‌گرایانه و جهان‌گرایانه از ماهیت و ابعاد امنیت دارد، بدین ترتیب که مکتب واقع‌گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه مرجع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌الملل به عنوان یگانه مرجع امنیت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین، لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از مسائل امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد. بوزان مجموعه امنیت منطقه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، ناامنی یا هر دو آنها به گونه‌ای با یکدیگر مرتبط است که مسائل امنیتی آنها به صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد یا حل و فصل شود» (Buzan, Waver and Dewilde, 1998: 201).

در مطالعات جدید امنیت، ابعاد متعددی به مفهوم آن افزوده شده و امنیت به مفهومی چندبعدی تبدیل شده که از مباحث زیست‌محیطی و اقتصادی گرفته تا تهدیدات نظامی را شامل می‌شود. برای ترسیم شرایط امنیتی باید اقدام به شناسایی تهدیدات نمود و برای مصون ماندن از خطرات احتمالی نیز، راه‌کارهای مقابله با تهدیدات یا خنثی‌سازی آنها را مورد توجه قرار داد و در این راستا به طرح مسئله امنیت ملی کشورها پرداخت و برنامه‌های امنیتی را طوری تدوین کرد که مجال برای بررسی فرصت‌های موجود باشد.

امنیت، مفهوم جدیدی است که با پیدایش پدیده ملی در دوران معاصر پدیدار شده است. نویسندگان روس مفهوم امنیت را حفاظت از زندگی، منافع حیاتی اشخاص، جامعه و سازمان‌ها در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل می‌دانند (arient.ru, 2012).

در این نوشتار، امنیت شامل توانایی کشور در رفع تهدیدات و چالش‌های خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود در نظر گرفته شده است. برای محافظت از امنیت کشور روش‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود، به عنوان مثال، استراتژی نظامی یکی از ابزارهاست که در دوران جنگ سرد اهمیت بسیاری داشت. روش دیگر، بهره‌گیری از سیاست خارجی و دیپلماسی است که در این نوشتار، بر این روش تمرکز خواهد شد.

ب. مفهوم و ابعاد امنیت در روسیه

بر اساس تعریفی که سرویس امنیتی فدرال فدراسیون روسیه^۱ از امنیت ملی در فدراسیون روسیه ارائه داده است: «این مفهوم شامل حفاظت از منافع حیاتی فرد، جامعه و دولت در حوزه‌های مختلف زندگی از تهدیدات خارجی و داخلی و همچنین حصول اطمینان از توسعه پایدار کشور است» (www.fsb.ru). ساختار مفهوم امنیت ملی روسیه شامل موارد زیر است:

- امنیت دولت؛ حفاظت از دولت در برابر تهدیدات داخلی و خارجی
- امنیت اجتماعی؛ حفاظت از فرد و جامعه در برابر تهدیدات داخلی
- امنیت محیط زیست و بلایای طبیعی
- امنیت اقتصاد
- امنیت انرژی
- امنیت اطلاعات

ولادیمیر پوتین در ۶ ژانویه سال ۲۰۰۰ میلادی، در یکی از اقدامات خود به عنوان کفیل ریاست جمهوری روسیه، سندی را طرح و مفهوم امنیت ملی روسیه را تصویب کرد. اولویت‌های موجود در این سند به شرح زیر است: (scrf.gov.ru شورای امنیت فدراسیون روسیه)

- اولویت نخست، تقویت اقتصاد روسیه است.
- اولویت دوم، توجه به کشورهای مشترک‌المنافع و همسایه است. روسیه خواهان آن است تا ضمن گسترش روابط خود در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی با این دولت‌ها، نفوذش را در این مناطق توسعه بخشد.
- دیگر اولویت‌های سیاست خارجی این کشور مبارزه با تروریسم و جدایی طلبی قومی، تأکید بر نقش محوری سازمان ملل در عرصه بین‌المللی، حمایت از حق حاکمیت کشورها، ایجاد ثبات استراتژیک در جهان و مقابله با طرح دفاع موشکی آمریکاست.
- جلوگیری از استقرار نظام تک‌قطبی، از دیگر اولویت‌های سیاست خارجی روسیه است. از جمله مهم‌ترین اهدافی که روسیه دنبال می‌کند، تلاش در جهت جلوگیری از ایجاد نظام تک‌قطبی است.

در مورد تعریف «امنیت دولت» نیز باید گفت بر اساس تعریفی که روس‌ها ارائه داده‌اند، این امر شامل یکسری اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و حقوقی است که به منظور حفظ دولت، تمامیت ارضی و شناسایی متخصصان کشور و همچنین، مخالفان داخلی انجام می‌گیرد، ارتش، سرویس‌های اطلاعاتی و همچنین ارگانهای اجرای قانون نیز مسئول برقراری امنیت دولت هستند^{۱)} (oval.ru، «امنیت نظامی» نیز بخشی از سیاست دولت است که دربرگیرنده نظرات و مقررات رسمی است و دولت برای ساخت و ساز نظامی و آموزش نیروهای مسلح برای جنگ و روش‌ها و ابزارها برای اداره آن ارائه کرده است. مواردی که امنیت نظامی روسیه را تهدید می‌کند، عبارتند از: (پاولف، ۲۰۰۹، narod.ru)

- برتری دیگر کشورها بر روسیه در عرصه‌های نظامی به ویژه در نیروهای هسته‌ای - استراتژیک، هم در زمینه توسعه فنی و هم در زمینه توسعه اطلاعاتی و نرم‌افزاری و همچنین تسلیحات استراتژیک. به همین دلیل هم بازسازی ارتش روسیه، یکی از برنامه‌های بلند این کشور جهت تکامل بخشیدن به صنایع دفاعی است و با دستور مستقیم ولادیمیر پوتین مدرنیزاسیون نیروی دریایی روسیه در اولویت اول قرار گرفته است.

- تشکیل سیستم سپر دفاع موشکی به صورت یکجانبه در جهان و استفاده نظامی از فضا که می‌تواند منجر به مسابقه تسلیحاتی جدید شود.

- گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی؛ برای پیش‌گیری از این تهدید روسیه جایگاه خود را به عنوان قدرتی هسته‌ای تعریف نموده که می‌تواند در رابطه با دشمنان بالقوه متوسل به بازدارندگی هسته‌ای شود و حق مقابله هسته‌ای با اقدامات متجاوزانه علیه خود و متفقین خود حتی به روش هسته‌ای را محفوظ می‌داند.

- تولید سلاح‌های کشتار جمعی و حتی اجزایی از آن.
- مسئله انرژی؛ کارشناسان روس به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش تقاضای انرژی در آینده می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم منجر به جنگ شود، به همین دلیل حتی با علم احتمال وقوع بحران اقتصادی میان صرف‌کنندگان اروپایی سرمایه‌گذاری‌های کلان در حوزه انرژی در این کشور صورت می‌گیرد (www.kapital-rus.ru, 2013).

پوتین در آخرین روزهای ریاست جمهوری خود در دوره قبل و به منظور هم‌پوشانی دکترین نظامی جدید روسیه دستور داد طی برنامه بلندمدت به توسعه صنایع نظامی و دفاعی تا سال ۲۰۲۰ اقدام شود، چراکه با مدرن‌شدن دنیای کنونی، تهدیدات موجود در آن نیز مدرن شده‌اند. بنابراین، ضروری است صنایع نظامی در حدی به‌روز شوند که به راحتی بر تهدیدات موجود غلبه نمایند؛ اما زمان انتخابات ریاست جمهوری روسیه در سال ۲۰۱۲، پوتین به این نتیجه رسید که برای حفاظت و توسعه این کشور نیاز به مدرن‌سازی در تمام حوزه‌ها وجود دارد. به همین دلیل، مدرن‌سازی روسیه را به صورت عملی و هم‌زمان با دوره جدید ریاست جمهوری آغاز نمود (Izvestia.ru, 2012).

ج. ارزیابی اشتراک منافع ایران و روسیه

۱. دریای خزر

دریای خزر به عنوان منطقه‌ای استراتژیکی و نیز اقتصادی-تجاری، نقش مهمی در روابط ایران و روسیه ایفا می‌کند. پیش از هر چیز باید گفت روسیه در دریای خزر به اتحاد استراتژیکی با ایران نیاز دارد، اگرچه سیاست و منافع روسیه در این منطقه تا حدودی روشن است و البته سیاست این کشور به وضوح زیر سؤال است. نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه در آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به طور چشم‌گیری رو به کاهش است. واقعیت امروز در این منطقه این است که دولت‌های استقلال‌یافته پس از شوروی علاقه‌مند به داشتن سیاست خارجی مستقل هستند تا از آن طریق قدرت سیاسی و توان اقتصادی خود را افزایش دهند و در این میان، دستیابی به این علایق را در سایه همکاری با ایالات متحده می‌بینند، اگرچه تا حدودی نگران واکنش کرملین نیز هستند. روسیه در حوزه دریای خزر باید با ایالات متحده، اروپا، چین و حتی ترکیه رقابت نماید، از طرفی همین شرایط نیز برای حفظ امنیت مرزهای شمالی ایران ضروری است؛ اما این گونه که به نظر می‌رسد اهمیت همکاری فدراسیون روسیه و ایران حداقل توسط سیاستمداران تا حدودی دست کم گرفته شده است (iran.ru, 2012). اگرچه در حال حاضر ایران تا حدودی مواضع روسیه را در این مورد منفی ارزیابی کرده است، اما تلاش می‌نماید توازن موجود در روابط خود با روسیه را حفظ نماید. روس‌ها نیز به این مهم واقف هستند که در نهایت امر، اجماع بدون ایران در این منطقه

امکان‌پذیر نیست. ایران تمایل دارد روسیه نفوذ سنتی خود را در کشورهای شوروی سابق واقع در حوزه خزر حفظ نماید تا بدین ترتیب در برابر تهدید غرب و به ویژه ایالات متحده قدرت بیشتری داشته باشد. از این نظر، منافع ایران و روسیه در وضعیت هم‌گرایی قرار دارد، چراکه این دو کشور با تأکید بر مواضع مشترک خود می‌توانند مانع از مداخله نیروهای خارجی در امور دریای خزر شوند. در پاییز سال ۲۰۱۱ زمانی که کمیسیون اتحادیه اروپا مذاکره با آذربایجان و ترکمنستان مبنی بر ساخت خط لوله انتقال گاز موسوم به ترانس خزر را در دستور کار قرار داد، نشان داد که قصد دخالت مستقیم در تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر را دارد، اما ایران و روسیه می‌توانند به عنوان سد محکمی در برابر طرح اتحادیه اروپا در منطقه خزر باشند. برای ساخت این خط لوله، موافقت هر پنج کشور ساحلی لازم است، اما ایران و روسیه نظر مخالف خود را عوض نمی‌کنند. ایران و روسیه برای تأمین منافع امنیتی خود نیاز دارند به سطح بالاتری از همکاری‌ها دست یابند، به همین دلیل هم احتمال حضور ایران در اتحادیه اوراسیایی و تبدیل شدن ایران به یکی از شرکای آن مطرح شده است (vestikavkaza.ru, 2012).

در این میان، به رغم وجود برخی هم‌گرایی‌ها، وضعیت نامتقارن از لحاظ نظامی و همچنین توزیع نامتقارن آن میان ۵ کشور از مسائل حیاتی خزر است. در پی بروز اختلاف روسیه با اکرین قبل از الحاق شبه‌جزیره کریمه به روسیه، بخش اعظم ناوگان روسی که در شبه‌جزیره کریمه در دریای سیاه مستقر بود، به منطقه خزر منتقل گردید. در حال حاضر، روسیه حداقل ۱۰۵ ناو مجهز در دریای خزر دارد و به دلیل شمار بالای ناوگان نظامی خود در خزر، بیشتر از سایر کشورها به دنبال حداکثر استفاده از پهنه آبی خزر است. قدرت نظامی روسیه در خزر منجر به گسترش نفوذ این کشور در منطقه شده که به طبع از جهاتی به ضرر ایران است. باید پذیرفت که روسیه قدرت بلامنازع دریای خزر است و با فاصله زیاد پس از روسیه، ایران قرار دارد، سپس قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان هستند. از طرفی، اختلاف‌ها میان کشورهای ساحلی به خصوص در زمینه استفاده از منابع دریای خزر و تقسیم آن، موجب افزایش مداخله خارجی در منطقه نیز شده است. کشورهای شمالی ساحل خزر با توجه به منافع خود معاهدات میان ایران و شوروی در سال ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را نادیده گرفته و به معاهدات جدید روی آورده‌اند. بن‌بست فعلی در مذاکرات این کشورها نیز تا حدودی به همین معاهدات جدید برمی‌گردد که بدون حضور ایران

و به صورت دو یا سه‌جانبه منعقد شده‌اند؛ اما متأسفانه تأکید صرف بر معاهدات میان ایران و شوروی باعث خستگی شدن نقش ایران و قرارگرفتن آن در موقعیت غیر مؤثر شده و همین امر نیز آینده دریای خزر را مبهم کرده است.

۲. قفقاز

میلیون‌ها نفر از مردم ایران به لحاظ قومی و خویشاوندی دارای ریشه‌های مشترک با اقوام ماوراء قفقاز، آسیای مرکزی و خاورمیانه هستند. ترکیب زبانی مشترک با تاجیک‌ها و افغان‌ها و همچنین میان ترک‌ها در عراق و ترکیه باعث شده از منظر امنیت ملی، بین ایران و کشورهای همسایه، منجمله روسیه ارتباطات خوبی برقرار گردد. منافع امنیتی روسیه در منطقه قفقاز به اندازه ایران و یا شاید هم بیشتر از ایران حساس و حائز اهمیت است. در قفقاز شمالی میان ایران و روسیه بیشتر منافع مشترک وجود دارد تا زمینه‌های رقابت، بنابراین همین مسئله عامل مهمی برای تأمین منافع امنیتی به شمار می‌آید. به عنوان نمونه، در صورت جدایی قفقاز شمالی از روسیه و یکپارچگی آنها با دولت ترکیه، نه تنها برای روسیه بلکه برای ایران نیز تهدید بزرگ به شمار می‌آید و ممکن است تبدیل به محلی برای درگیرهای نظامی در منطقه شود. به همین دلیل روس‌ها از بابت فعالیت‌های ایران در چچن و داغستان خاطری آسوده دارند و می‌دانند این اقدامات جنبه ضد روسی ندارد (www.imperiya.by, 2012).

اهداف امنیتی دارای اولویت ایران در منطقه قفقاز به شرح زیر است:

- پیش‌بینی نفوذ ترکیه و محدودکردن فعالیت‌های آنان و جلوگیری از رشد پان‌ترکیسم.
- جمع‌آوری مجموعه‌ای از اطلاعات استراتژیک از سرویس‌های اطلاعاتی منطقه و بررسی تأثیر آنها بر جامعه اسلامی.
- مبارزه با جنبش‌های وهابی و سازمان‌های حمایت‌کننده آنها.

ایران شریک بسیار مهمی در برقراری ثبات و امنیت در منطقه قفقاز برای روسیه به حساب می‌آید. بسیاری از کارشناسان روس بر این عقیده هستند که بعد از جنگی که میان دولت روسیه و چچن‌ها به وقوع پیوست، تهران نقش مهمی در کاهش نگرش منفی جهان اسلام نسبت به مسکو ایفا کرده است. می‌توان گفت محور مسکو- تهران در منطقه قفقاز در تمام

جهات خود توجیه‌پذیر است. نه پان‌ترکیسم متمرکز بر ترکیه، نه وهابیت در عربستان سعودی و یا پان‌عربیسم، هیچ کدام نه تنها برای ارتقاء منافع روسیه مفید نیست، بلکه تهدیدی برای امنیت ملی روسیه به شمار می‌آید. روابط مدیریت‌شده میان روسیه و ایران تا حد زیادی می‌تواند در نقش عامل تعدیل‌کننده میان روسیه و جهان اسلام باشد. در منطقه ماوراء قفقاز، در بسیاری موارد مثل درگیری‌های منطقه‌ای و مسئله انرژی، منافع این دو کشور با یکدیگر تطابق دارد. در مورد قره‌باغ، تهران با مسکو اتحاد عمل دارد و هر دو کشور مخالف رشد «آتلانتیسیم»^۱ در قفقاز هستند و بستر مناسب برای ایجاد اتحاد مستحکم ژئوپلیتیکی در اوراسیا وجود دارد. در کل باید گفت تهران از قدرت مسکو و روسیه از اقتدار ایران در جهان اسلام به منظور تأمین نیازهای امنیتی خود بهره می‌برند.

۳. آسیای مرکزی

تجزیه و تحلیل رخداد‌های دو دهه اخیر حاکی از آن است که ایران و روسیه تمایل دارند صلح و ثبات را در فضای اوراسیایی مطابق با حقوق بین‌الملل برقرار نمایند و نقش کلیدی در حل مشکلات بزرگ بین‌المللی ایفا کرده‌اند. مسائلی مانند تأمین امنیت هسته‌ای، برقراری صلح و ثبات در آسیای میانه و قفقاز، افغانستان، عراق، مسائل مربوط به دریای خزر، مشارکت در فرآیندهای یکپارچه‌سازی منطقه‌ای و حضور در پروژه‌های انرژی و حمل‌ونقل بین‌المللی، از جمله اقداماتی است که با مشارکت ایران و روسیه انجام می‌گیرد. ایران برای روسیه شریک استراتژیک خوب در منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌آید، چراکه دو کشور از سوی افراط‌گرایی قومی و مذهبی و همچنین قاچاق مواد مخدر در آسیای مرکزی مورد تهدید مشترک هستند. روس‌ها به خوبی درک کرده‌اند که ایران اسلامی و تشیع ایرانی هیچ تأثیری بر مسلمانان روسیه که تقریباً بیش از نیمی از آنها اهل سنت هستند، ندارد. آنها عامل ایران را در تحریک رادیکالیسم اسلامی خنثی می‌دانند، اما از طرف دیگر می‌دانند که در کل ایران عامل بازدارنده قوی در مناقشات قومی و مذهبی آسیای مرکزی است (www.eurasialaw.ru, 2013).

«زیگنیو برژینسکی»^۱ سیاستمدار آمریکایی، سال ۱۹۹۶ داستانی را بر زبان‌ها انداخت که هدف اصلی جمهوری اسلامی در آسیای مرکزی صدور انقلاب اسلامی به آن است (iran.ru, 2012). این اندیشه تا مدت‌های طولانی حساسیت روسیه و دیگر کشورهای آسیای مرکزی را برانگیخت، اتفاقاً نه تنها با گذر زمان هیچ نشانه‌ای از فعالیت دکترین شیعه در آنجا دیده نشد، بلکه ایران به شدت با فعالیت‌های رادیکال پان‌ترکیسم، پرورش وهابیت از سوی عربستان سعودی و افراط‌گرایی مذهبی از سوی پاکستان و افغانستان به مبارزه پرداخت. کل فعالیت‌های ایران در آسیای مرکزی در دو حوزه فرهنگ و اقتصاد خلاصه شده است، همچنین مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر که امنیت ملی ایران را تهدید می‌نماید. از دیگر مشکلات عمده روسیه در آسیای مرکزی قاچاق مواد مخدر، جلوگیری از رفت‌وآمد جنایتکاران، انتقال غیرقانونی تسلیحات و قاچاق مواد خام است، که این مسئله به طور مسقیم امنیت داخلی روسیه را مورد تهدید قرار می‌دهد. مسکو در تلاش است با استفاده از ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیگر توانایی‌های جمهوری‌های منطقه در جهت تقویت روسیه و تقویت موقعیت سیاسی و بین‌المللی آنها بهره‌برد و مانع تبدیل جمهوری‌ها به عامل فشار سیاسی و عدم توازن علیه روسیه گردد.

وجود بازیگران خارجی به ویژه آمریکا در منطقه آسیای مرکزی، به هر دلیلی که باشد، پیامدهای منفی زیادی برای روسیه و ایران به بار خواهد آورد. حداقل این پیامدها آسیب به همکاری‌های منطقه‌ای، تضعیف اعتماد بین دولت‌های منطقه و دامن‌زدن به مشکلات درونی کشورهای آسیای مرکزی خواهد بود. رویکرد جمهوری اسلامی به مسائل این منطقه هم‌راستا با منافع ملی و امنیتی روسیه است به همین دلیل نیز حداقل درگیری میان این دو کشور وجود دارد، بنابراین این امر یک پیش‌فرض مناسب برای انجام اقدامات امنیتی و همکاری دوجانبه میان تهران و مسکو به شمار می‌آید.

در این میان، نکته‌ای وجود دارد که توجه به آن حائز اهمیت است. اگرچه موضع ایران همواره بر مخالفت با حضور آمریکا و غرب در منطقه آسیای مرکزی بوده و از این لحاظ با روسیه اشتراکاتی داشته، اما این مسئله نباید به پذیرفتن دخالت و سلطه روسیه در آسیای مرکزی گردد، چراکه طی چند سال گذشته، روسیه کشور به کشور، تلاش خود را برای

کاستن از نفوذ غرب در اقمار شوروی سابق به کار گرفته است، اما نتیجه‌ای که به همراه داشته، بر هم زدن نظم و امنیت در برخی کشورها (آسیای مرکزی) بوده است، ضمن اینکه نقش روسیه و اهمیت این منطقه برای آن کشور را نباید نادیده گرفت. اقدامات و دخالت‌های آشکار روسیه در این کشورها، رقابت‌زا و ناامن‌کننده محیط امنیتی آسیای مرکزی می‌باشند؛ منطقه‌ای که به خودی خود نیز دارای چالش‌ها و مشکلات بسیاری است. پیامدهای غیر مستقیم دخالت‌ها و ناآرامی‌ها می‌تواند به صورت فقدان امنیت در مرزها، گسترش قاچاق، تهدیدات تروریسم و کاهش توجه مقامات این کشورها به مسائل داخلی و اقتصادی ظاهر شده و چالش‌های امنیتی بنیادی موجود در منطقه را تشدید کند.

۴. خاورمیانه

موقعیت جغرافیایی خاص خاورمیانه باعث شده این منطقه تبدیل به پل ارتباط تجاری بین سه قاره جهان باشد، از طرفی هم ظهور سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت و وجود میزان زیادی از منابع و ذخایر نفت و گاز، اهمیت خاورمیانه را جهانی نمود. خاورمیانه پس از جنگ جهانی دوم به مرکز رقابت‌های بین‌المللی تبدیل شد. روسیه هم با استراتژی خاص خود در زمان‌های مختلف و در دوران تزارها، اتحاد شوروی و نیز بعد از فروپاشی شوروی، به ویژه پس از حوادث یازده سپتامبر، همواره برای حفظ جایگاه سنتی خود در این منطقه تلاش نموده است. امروز روسیه از هر گونه شباهت با دولت شوروی سابق به دور است. اکنون این کشور تلاش می‌کند نسبت به سیاست‌های گذشته خود موفق‌تر و مبتکرانه‌تر عمل نماید و از اعمال اشتباه و خطای انجام‌شده در زمان شوروی سابق کاملاً درس گرفته است. روسیه تلاش دارد به جهان بفهماند که نمی‌توان و نباید نقش روسیه را در حل مشکلات محیط بین‌الملل نادیده بگیرند، حال این مسائل مربوط به هر گوشه جهان که باشد (rus.ruvr.ru, 2013). دولت روسیه، سیاست زیرکانه «کج‌دار و مریز» را در قبال خاورمیانه در پیش گرفته، یعنی در حالی که این کشور پایه‌های روابط سیاسی خود را با کشورهای عربی بنا نهاده و مستحکم می‌سازد، به همکاری‌های خود با ایران و اسرائیل نیز ادامه می‌دهد.

پس از شکل‌گیری انقلاب‌های عربی و قدرت‌نمایی ایران در خاورمیانه، مواضع همسوی ایران و روسیه رنگ دیگری به خود گرفته و دو کشور را در حوزه امنیت ملی با رویکردی مشترک مواجه کرده است. روسیه می‌داند اگر به دنبال تعمیق نفوذ منطقه‌ای خود و همچنین حفظ آن باشد، نمی‌تواند از رایزنی نزدیک با ایران چشم‌پوشی کند. عمق اشراف اطلاعاتی ایران بر نقاط و زوایای استراتژیک خاورمیانه باعث شده روس‌ها بر همکاری با ایران در خاورمیانه مصمم‌تر شوند.

روس‌ها خود بر این باور هستند که ظرف چند سال گذشته روسیه به شدت از ایران و سوریه در برابر فشارهای بین‌المللی حمایت کرده و این سه کشور به همراه «حزب الله لبنان» و «جنبش حماس»، محور ضد غربی و البته «ضد اسرائیلی» شکل داده‌اند. روسیه به سه دلیل و به رغم تمام فشارهای بین‌المللی، از سیاست پشتیبانی از کشورهای خاورمیانه دست نکشیده است: (theisraelproject.org, 2012)

- از مهم‌ترین اهداف روسیه در خاورمیانه حضور و نقش‌آفرینی به عنوان قدرت برتر خاورمیانه است. در این زمینه، ایران شریک اصلی روسیه در خاورمیانه برای تشکیل محور ضد غربی به شمار می‌آید. بنابراین، واگرایی سیاسی ایران و روسیه در خاورمیانه تمام تلاش‌های روسیه در این منطقه را بی‌سرانجام خواهد کرد.

- روسیه به شدت از انقلاب‌های عربی آسیب دیده است، رژیم‌هایی که با دولت روسیه روابط دوستانه داشتند، سقوط کرده‌اند و آینده آنها بسیار مبهم است، چراکه نه اسلام و نه حتی دموکراسی اکنون در شرایط مناسبی قرار ندارند. در کل می‌توان گفت ایران و سوریه آخرین دژ منافع روسیه در خاورمیانه به شمار می‌آیند.

- میان روسیه و چین رقابتی برای حضور و نفوذ در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و این عرصه هنوز باز است. چین عطش سیری‌ناپذیر به منابع انرژی خاورمیانه دارد و اگر تنها فرصت اندکی در این منطقه بیابد، جای روسیه را خواهد گرفت.

از مواردی که ذکر شد این گونه برمی‌آید که تمامی این مسائل برای روسیه اهمیت بسیار زیادی دارد و در دسته‌بندی منافع امنیتی این کشور قرار می‌گیرد، بنابراین از هیچ کوششی برای حفظ آنها دریغ نخواهد کرد.

۵. مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر

پس از فروپاشی شوروی و به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر، تروریسم یکی از پراهمیت‌ترین موضوعات در جهان کنونی و در کلیه سطوح جوامع کنونی و زندگی بشر است. در شرایط کنونی شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین تهدیدات صلح و امنیت در ایران و روسیه، تروریسم است و به ویژه، طی چند سال اخیر هر دو کشور مورد حملات تروریستی زیادی قرار گرفتند. بنابراین، چون دولت‌ها خواهان صلح و امنیت فردی و گروهی هستند، تلاش‌های زیادی در مقیاس‌های خرد و کلان، آن هم در سطوح، ملی، فراملی و جهانی علیه تروریسم انجام داده و می‌دهند. در خصوص مسئله مبارزه با تروریسم، روسیه در ۲۶ فوریه سال ۲۰۰۶ توسط دومای دولتی قانون مبارزه با تروریسم را به تصویب رساند. در این قانون ضرورت تشکیل ارگان دولتی به منظور مبارزه و سرکوب اقدامات تروریستی قید شده است. این ارگان وظیفه ایجاد هماهنگی میان نیروهای مسلح و همچنین سایر نهادهای اجرایی را در زمینه مبارزه با تروریسم را بر عهده دارد (www.scrf.gov.ru).

دو کشور ایران و روسیه با توجه به شرایط خاص جغرافیایی و مرزی از ناحیه افغانستان به دلیل قاچاق مواد مخدر و همچنین قاچاق انسان مورد تهدید دائمی قرار دارند. به همین دلیل هم دو کشور نیاز دارند به طور منظم در ارتباط با یکدیگر قرار داشته و اطلاعات عملیاتی خود را در اختیار یکدیگر قرار دهند. علاوه بر قاچاق مواد مخدر و انسان، تهدیداتی از قبیل قاچاق اسلحه، مهاجرت غیر قانونی به مرزهای دو کشور، رشد افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین جرائم اینترنتی نیز مواردی است که دو کشور باید به آن توجه ویژه داشته باشند. روسیه برای توسعه سطح تعاملات با ایران در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر پیشنهاد داده به نیروهای پلیس و یگان ویژه مبارزه با اقدامات تروریستی و قاچاق مواد مخدر ایران آموزش‌های تخصصی بدهد تا امکان انجام عملیات‌های مشترک وجود داشته باشد (antinarikota.khb.ru, 2013). لازم به ذکر است چنین تهدیداتی علاوه بر مرزهای افغانستان، در منطقه دریای خزر نیز وجود دارد. با توجه به گزارش سازمان ملل ایران مقام اول را در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و همچنین کاهش میزان مصرف آن را دارد، اما با توجه به اینکه در کریدور حمل و نقل مواد مخدر از افغانستان، پاکستان، عراق به کشورهای آسیای مرکزی و سرانجام به اروپا قرار دارد، نیاز به نظارت و انجام عملیات گسترده دارد و در این

زمینه نیز به همکاری دیگر کشورها نیازمند است. طبق گزارش‌های سرویس فدرال کنترل مواد مخدر روسیه، دولت سالیانه تنها ۴٪ از حجم مواد مخدر (تریاک و هروئین) را که به مرزهای روسیه وارد می‌شود، ضبط می‌کند و در مقایسه با ایران که رقم آن سالیانه ۳۳٪ است، بسیار ناچیز به شمار می‌آید. در واقع، سالیانه بین ۷۰ تا ۸۰ تن مواد مخدر وارد مرزهای روسیه می‌شود که بخشی از آن نیز به اروپا و آمریکا صادر می‌گردد و درآمد حاصل از این تجارت سالیانه ۲۵ میلیارد دلار است (imes.ru, Mamedova, 2012).

تهدیدات تروریستی مشابه برای ایران و روسیه زمینه‌ساز اخذ سیاست‌های مشابهی در باب حل مسئله تروریسم شده است. دو کشور بر این واقفند که تقویت نقش محوری سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌المللی و چالش‌ها و تهدیدات جدید می‌تواند نقش مهمی در مسیر مبارزه با تروریسم ایفا نماید. اگر روسیه و ایران در اجرای راهبردهای جهانی سازمان ملل در مقابله با تروریسم و رعایت دقیق مقررات کنوانسیون‌های جامع ضد تروریستی همکاری نزدیک داشته باشند، از ناحیه تروریسم آسیب کمتری خواهند دید. البته باید خاطرنشان کرد ایران و روسیه بارها از گسترش ایده‌های تروریستی ابراز نگرانی کرده و توجه خود را بر لزوم اجرای پیگیرانه قطعنامه‌های سازمان ملل در محکومیت تروریسم مبدول و خواهان گسترش گفتمان جهانی در این خصوص هستند. در عین حال، صرف ابراز نگرانی کردن در این زمینه و صدور بیانیه‌های مختلف شاید نتواند چندان مشکلی را حل نماید و ورود هرچه سریع‌تر به عرصه عمل‌گرایی بسیار حائز اهمیت است. اکنون تهدیدات تروریستی و مواد مخدر از جانب افغانستان، اولویت مهمی است که باید نسبت به ایجاد کمربندی‌های امنیتی و حوزه امنیت مالی آن اهمیت خاص قائل شد. به عنوان مرحله آغازین اقدامات عملی مبارزه با تروریسم، چالش‌ها و تهدیدات جدید در سطح منطقه‌ای همکاری در چارچوب سازمان همکاری شانگهای می‌تواند بستر مناسبی باشد.

یکی از پیشنهادهایی که از جانب ایران و روسیه برای مبارزه با تروریسم مطرح شده، تأکید بر تداوم شیوه تبادل نظر وزارتخانه‌های امور خارجه دو کشور در زمینه مقابله با چالش‌ها و تهدیدات جدید و فعال‌تر نمودن تماس‌ها بین نهادهای ذی‌صلاح و کارآمدسازی این تماس‌هاست (www.e-journal.ru, 2013).

۶. امنیت انرژی

در دنیای امروز مسئله امنیت انرژی تبدیل به یکی از بااهمیت‌ترین مسائل سیاست خارجی و همچنین موضوعی برای برنامه‌ریزی آینده اقتصادی کشورها شده است. برای برقراری امنیت انرژی یک حقیقت را نمی‌توان نادیده انگاشت و آن ضرورت وجود صلح و ثبات در سراسر جهان است. پیچیدگی و عمق مشکلات حوزه انرژی مثل به پایان رسیدن تدریجی ذخایر اثبات‌شده جهان و همزمان افزایش میزان مصرف انرژی آن را تبدیل به یک موضوع امنیتی برای تمام کشورهای جهان نموده است. اما امنیت انرژی را چگونه باید تعبیر و تفسیر نمود، در حال حاضر تفاسیر و تعاریف بسیار متفاوتی از اصطلاح امنیت انرژی وجود دارد: (2012, eprussia.ru,

- چگونه دولت‌ها به عامل انرژی وابسته نشوند.
- چگونه هر کشور از صنعت انرژی خود محافظت نماید.
- دولت‌ها چگونه کشور خود را از مسئله کمبود انرژی و سوخت حفاظت نمایند.
- کشور چگونه مانع آن شود که انرژی به عنوان ابزار سیاسی و اقتصادی بر سیستم سیاسی آن دولت اثر نگذارد و ...

روسیه امنیت انرژی خود را از دو منظر مورد تهدید می‌بیند: اول اینکه، با افزایش روزافزون خرید تجهیزات صنعتی انرژی از کشورهای خارجی باعث می‌گردد این کشور در آینده نه چندان دور به این صنایع و کشورهای صادرکننده آن وابسته گردد، چراکه تا سال ۲۰۲۰، نزدیک به ۲۷٪ از بخش انرژی روسیه بر اساس تکنولوژی خارجی شکل می‌گیرد. ظرف چند سال گذشته بیشتر پروژه‌های این بخش با حضور سرمایه‌گذاران خارجی آغاز به کار نموده‌اند، علت اصلی آن است که بیشتر ماشین‌آلات و سیستم فنی و مهندسی تولیدشده در روسیه از سطح استهلاک بالایی (۷۵٪) برخوردار هستند (ruscable.ru, 2012). دوم، مسئله هژمونی آمریکا و تسلط بر منابع انرژی قفقاز و آسیای مرکزی است. منطقه آسیای مرکزی و قفقاز حوزه نفوذ سنتی روسیه به شمار می‌آید و اکنون مدت‌هاست سیاست‌های ایالات متحده در کشورهای این منطقه حول محور دستیابی به منابع انرژی آنها در گردش است. تصمیم جدی ایالات متحده برای مبارزه با قدرت‌نمایی روسیه در زمینه انرژی از آوریل سال ۲۰۰۷ در جریان قرار گرفت، وزارت امور خارجه آمریکا سندی تحت عنوان «طرح راهبردی: ۲۰۰۷ تا

۲۰۱۲ سال‌های مالی^۱ به امضا رساند. در این سند برای اولین بار بعد از پایان جنگ سرد، دولت ایالات متحده اعلام کرد به مقابله با برخی سیاست‌های روسیه، منجمله نفوذ رو به رشد آن در بازار جهانی انرژی خواهد پرداخت. در حال حاضر نیز این طرح در کنار موج جدیدی از تحریم‌ها که بعد از مناقشات اوکراین و روسیه اعمال گردید، از سوی ایالات متحده و اروپا در حال اجراست (fonsk.ru, 2014).

از نظر کرملین، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نخستین سنگر برای حفاظت از امنیت ملی روسیه است و این حوزه سنتی روسیه برای ایران نیز اهمیت بسیار زیادی دارد و هر اندازه حضور آمریکا در این منطقه برای روسیه نامطلوب است، برای ایران هم تهدید به شمار می‌آید. بنابراین، ایران به منظور برقراری امنیت انرژی و در پی مقابله با هژمونی آمریکا از اقدامات و تلاش‌های روسیه در این زمینه حمایت می‌کند. دو کشور می‌توانند در صورت طراحی استراتژی صحیح مشترک به بزرگترین مراکز انرژی جهان تبدیل شوند و امنیت انرژی را هم برای خود و هم برای دیگر کشورهای مصرف‌کننده تأمین نمایند.

نتیجه‌گیری

اوضاع منطقه و جهان در دنیای کنونی برای دو کشور ایران و روسیه به گونه‌ای است که همکاری فعال‌تر و نزدیک‌تر دو کشور را نیاز دارد. به عبارت دیگر، تهران و مسکو در سنگر مشترک قرار دارند. اکنون همکاری نزدیک ایران و روسیه در سطح بین‌الملل، منافع حیاتی برخی قدرت‌های جهانی را تهدید می‌نمایند، به خصوص با توجه به این واقعیت که ناتو نگاه خود را عمیقاً معطوف به شرق کرده و تنها در سایه همکاری دو کشور صلح و امنیت در منطقه تحکیم خواهد شد. ایران و روسیه کشورهای کلیدی هستند که در منطقه تأثیر بسزایی دارند و آن طور که تاریخ سیاست دو کشور نشان داده، خطرات مشترک در حوزه سیاست، امنیت و اقتصاد آنها را تهدید می‌نماید.

روسیه و ایران به عنوان کشورهایی که همیشه سیاست ایالات متحده را مورد انتقاد قرار داده‌اند، در وهله نخست از سوی این کشور مورد تهدید واقع شده‌اند. از زمانی که روابط ایالات متحده و روسیه اندکی رو به بهبودی نهاد، روابط ایران و روسیه تحت تأثیر قرار گرفت،

اما روسیه بلافاصله دریافت که اگر خواهان استقلال عمل در دنیای سیاست است نمی‌تواند همکاری با ایران را نادیده بگیرد و به نفع آن نیست که چنین عملکردی داشته باشد. همکاری روسیه با ایران به عنوان کشوری که می‌خواهد در برابر غرب استقلال عمل داشته باشد، به عنوان برگ برنده در بازی «سیاست بین‌الملل» به حساب می‌آید. همچنین، تقویت روابط دوجانبه قدرت هر دو کشور را برای مقابله با تهدید آمریکا در منطقه افزایش می‌دهد.

در خصوص همکاری در زمینه انرژی باید گفت با توجه به اینکه اکنون برنامه هسته‌ای ایران و برخی تلاش‌های روسیه در سطح جهان حساسیت‌هایی را ایجاد کرده، برای توسعه همکاری‌های انرژی باید به شرایط جهانی توجه نمود تا سودآوری این حوزه تحت تأثیر قرار نگیرد، اما با توسعه همکاری‌های امنیتی می‌توان بستر مناسب همکاری‌ها را فراهم نمود.

بر اساس سئوالاتی که در آغاز پژوهش مطرح گردید می‌توان گفت بررسی اهداف و منافع دو کشور این نتیجه را حاصل می‌کند که هدف‌ها و منافع هم‌سوی ایران و روسیه در چارچوب ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه در شرایط کنونی اهداف و منافع سیاسی-امنیتی است. به طور کلی، همکاری‌های ایران و روسیه در حوزه‌های مختلف تابعی از ملاحظات استراتژیک برای موازنه قدرت در سطح بین‌المللی، ملاحظات منطقه‌ای و ملاحظات اقتصادی و منافع عینی دو کشور در سطح دوجانبه است.

بر اساس تاریخ مشترک ایران و روسیه، می‌توان گفت دو کشور راهی ندارند جز اینکه نقش منطقه‌ای خود را به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز در کنار یکدیگر تعریف نمایند. در حال حاضر، برای دو کشور شرایط تقابل یا تسلط یکی بر دیگری وجود ندارد. با نگاهی به روند رخدادهای موجود باید گفت در عمل، نمودهای سیاست‌های همکاری‌جویانه دو طرف در منطقه بیشتر از حوزه‌های رقابتی است. بنابراین، دو طرف باید اولویت طراحی الگوهای مشارکتی را در تنظیم روابط دوجانبه مقدم بدانند. ایران و روسیه برای آنکه بتوانند مناسبات خود را بهبود بخشند، لازم است در حوزه‌های جدید منجمله مسائل امنیتی وارد همکاری‌های مشترک شوند، چراکه در صورت شکل گرفتن همکاری‌های منطقه‌ای بر اساس منافع متقابل، بهانه و فرصت برای مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای کمتر شده یا کاملاً از بین می‌رود.

در جمع‌بندی نهایی باید گفت به‌کارگیری راهبرد همکاری میان روسیه و ایران تأمین‌کننده منافع امنیتی دو کشور است، ضمن توجه بر این نکته که در برخی از حوزه‌ها ایران ناچار است برای تأمین منافع بیشتر تا حدودی راهبرد رقابت بر بستر همکاری را به کار گیرد.

منابع

سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۸۷)؛ «روابط بین‌المللی میان‌رشته‌ای، نظریه بن‌فکنی رندانه و استراتژی جهان‌وطن‌گرایی میهنی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، شماره ۳.
ناجی راد، محمدعلی (۱۳۸۷)؛ *جهانی‌شدن تروریسم*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- Buzan, Barry (1983); *People, States and Fear: The National Security Problem in International Relations*, London, Harvester: Wheatsheaf.
- Buzan, Barry and Waver, Dewilde (1998); *Regions and Powers The Structure of International Security*, New York: Cambridge University Press.
- Baev, Pavel K. (2005); "Russia Policies in the Caucasus and the Caspian Area", *European Security*, Vol. 10, No. 2, www.informaworld.com/index/783178856.pdf.
- (2009); *Основы национальной безопасности Российской Федерации*, goup32441.narod.ru/files/ogp/001_oporn_konspekt/2009/2009-09-1.html.
- , *Государственная безопасность*, oval.ru/enc/19914.html.
- Национальная безопасность России, Антитеррористическая деятельность*, scrf.gov.ru/documents/17/30.html.
- , (2013); *Куда движется американский «танцующий лев» на Среднем Востоке?*, rus.ruvr.ru/2012_05_18/75107724/e-journal.ru/p_euro-st3-3.html.
- , *стратегия национальной безопасности Российской Федерации до 2020 года*, <http://www.scrf.gov.ru/documents/99.html>.
- США видят угрозу в Иране, Китае и России*, 31/01/2012, www.rosbalt.ru/main/2012/01/31/940133.html.
- Что такое безопасность*, arient.ru/faq/faq/faq_safetty.html, 2013.
- Война на Ближнем Востоке. Иран. Россия....*, aftershock, 2012.
- , " " ;
, <http://xn--c1adwdmv.xn--p1ai/news/fd-abroad/israel/1559559.html>, 07.2012.
- Путин считает, что стране нужна долгосрочная программа военного строительства*, izvestia.ru/news/418646#ixzz23P9CQfxB, 2012.
- Путин и долгосрочная стратегия*, www.kapitalrus.ru/articles/article/210065/.

- (2012); Каспийское Море: Россия и Иран обречены на союзные отношения, http://iran.ru/rus/news_iran.php?act=news_by_id&news_id=80544
- Россия и Иран провели переговоры по проблемам каспийского региона, 2012, vestikavkaza.ru/news/politika/geo/58082.html
- (2012); Внешняя политика Ирана: геополитические интересы на Кавказе и Юге России, www.imperiya.by/politics1-13567.html
- (2012); Иран и Россия (международно-правовые аспекты сотрудничества), www.eurasialaw.ru/index.php?option=com_content&view=article&id=3324&Itemid=519
- (2012); Иран и Центральная Азия: стратегия диалога, iran.ru/rus/news_iran.php?act=news_by_id&news_id=78275
- (2012); Поддержка Россией Ирана и Сирии: почему и насколько, www.theisraelproject.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=ewJXKcOUJIIaG&b=7713555&ct=1151923¬oc=1
- Россия и Иран объединяют усилия в борьбе с наркоугрозой, 2012, <http://www.google.ru/url>
- (2012); Россия и Иран в конце первого десятилетия XXI века: противоречия и взаимные интересы, www.iimes.ru/rus/stat/2012/21-03-12.htm
- Энергетическая безопасность как важная составляющая национальной безопасности, www.eprussia.ru/epr/170/12776.htm
- Энергетическая безопасность России под угрозой, 2012, www.ruscable.ru/news/2012/03/06/Energeticheskaya_bezopasnosty_Rossii_pod_ugrozoj/
- (2012); «Северный фронт» глобальных энергетических войн, www.fondsk.ru/news/2012/05/15/severnyj-front-globalnyh-energeticheskikh-vojn.html
- (2011); Доктрина энергетической безопасности России, sei.irk.ru/promo/doktrina-energeticheskoy-bezopasnosti-rossii/
- Сотрудничество Ирана и России и их совместные угрозы, 2013, www.etpress.ru/?content=article&id=4086